

## حقوق تجارت

قبول انجام وظیفه نموده باشد شرکت مسئول تأدیه مبلغ مذکور در اساسنامه بابت حقوق مدیر مزبور خواهد بود ولی اگر قبول انجام وظیفه بدون توجه و مفاد اساسنامه باشد نمی توان شرکت را ملزم بتأدیه وجوه مصرحه در آن نمود زیرا صرف وجود مقرراتی در اساسنامه ایجاد رابطه قرار دادی بین شرکت و مدیران نمی نماید.

(۳) چنانچه اشاره شده است طبق مقررات قانون تجارت اساسنامه های فعلی شرکتهای سهامی متضمن نکات اساسی و شرایط خارجی نیست - نکات اساسی مزبور نسبت به شرکت - شرکاء و اشخاص ثالث نافذ است ولی شرایط خارجی آن چنانچه در شرکتهای حقوقی نیز جاری است نسبت به شرکاء نافذ است و در باره اشخاص ثالث تأثیری ندارد و ماده ۱۰ قانون مدنی نیز تصریح باین موضوع نموده است چنانچه مقرر میدارد که قرار داد های خصوصی نسبت به کسانی که آنرا منعقد نموده اند در صورتیکه مخالف با قانون نباشد نافذ است که از جمله نسبت به کسانی که آنرا منعقد نموده اند استثنایه میشود که نسبت به دیگران نافذ نیست بنا بر مراتب فوق اگر در اساسنامه شرکت سهامی تصریح شود باینکه زید بعنوان سرای دار این شرکت گماشته شود و شرکت دیگری را باین سمت استخدام کند زید نمی تواند بر علیه شرکت اقدام دعوی نموده و اجراء مقررات اساسنامه را بخواهد زیرا بین «زید» و شرکت رابطه حقوقی ایجاد نشده چه صرف درج شرط خارجی بین شرکاء در اساسنامه ایجاد رابطه حقوقی با اشخاص ثالثی نمیکند تا مآثر آن بتواند با استناد رابطه مزبور اجراء شرط را از شرکت بخواهد ولی اگر در اساسنامه موضوع شرکت معین و احقیات شرکت نیز تصریح شده باشد و مدیران اقداماتی در آن محدود نموده باشند اقدامات مزبور بر علیه شرکت

نافذ است و دیگران نمیتوانند در این زمینه و مقررات اساسنامه استناد نمایند چون در ایفای و رد اساسنامه جانشین شرکت نامه بوده و رابطه مستقیم بین دیگران و شرکت است یعنی در واقع دیگران باعتبار مصرحات مزبور وارد معامله یا قرار دادی با مدیر شرکت برای شرکت شده اند

بنا بر آنچه مذکور افتاد با مقررات فعلی در دعوی که با استناد اساسنامه بر شرکتهای سهامی اقامه میشود تفکیک نکات اساسی از شرایط خارجی ضروری است یعنی باید احراز نمود مندرجات اساسنامه نظر به تعهدات بنفع اشخاص ثالث یا فقط حاکی از وعده در مقابل آنها است

### تغییر اساسنامه

هر چند قانون تجارت تغییر اساسنامه را طبق بند ۱۱ از ماده ۳۷ جایز دانسته است و غیر از تشریفات موارد و شرایط خاصی برای تغییر آن قائل نشده است ولی با توجه بانچه در گذشته در این زمینه ذکر شده تغییر نکاتی که در واقع شروط خارجی و حفظ جنبه انتظامی برای اداره کردن امور داخلی شرکت دارد مانعی ندارد بلکه مقتضی است که شرکتهای سهامی دارای این اختیار باشند که در موارد ضروری بر حسب مقتضیات زمان و اوضاع اقتصادی بتوانند امور اداری خود را باراده تغییر دهند و در این مورد دخالت قانونم و جاهتی ندارد مگر آنکه تغییر مزبور خارج از عدالت و منافی با مصالح عمومی باشد که در مورد اخیر نیز حکم کلی نسبت به آن تسری دارد و در مورد مقررات خارج از عدالت هم که اثر آن نسبت به شرکت ظاهر میشود ماده ۷۳ قانون مزبور مقرر داشته که در مواردیکه مجمع عمومی شرکت نسبت به حقوق نوع مخصوصی از سهام تصمیمی اتخاذ نماید

ثالث تغییر و تفسیر شده و مواد ۱۹۶ (۱) و ۲۳۱ (۲) قانون مدنی نسبت بان شمول حاصل نموده است .

### معرفی شرکت

شرکت های سهامی اغلب برای اقدام بکارهای مهم که محتاج به سرمایه زیادی است تشکیل می شود و معمولاً عده زیادی در گرد آوردن سرمایه آن مشارکت می نمایند .

فکر اقدام بامری اغلب ناشی از یک نفر است و بعداً ممکن است فکر مزبور در نتیجه انتشار طرفدار زیادی پیدا کرده که حاضر باشند برای عملی کردن آن بصاحب فکر مساعدت نمایند - در شرکت های سهامی نیز یک نفر یا چند نفر مقدمه بفکر ایجاد و تشکیل آن بر می آیند و چنانچه مذکور افتاد اشخاص مزبور معروف و بدوستان شرکت میباشد که شرکتنامه و اساسنامه شرکت را تهیه و تنظیم و در صورت حاجت برای تحصیل سرمایه آن دیگران را بکمک و همراهی خود دعوت میکنند یعنی در حقیقت شرکت را بانها معرفی تا در صورت قبول بمساعدت رضایت خود را در این امر از طریق قبول و تهمد سهام شرکت بدوستان اعلام دارند - گناه نیز ممکن است که خود دوستان تمام سرمایه شرکت را تهمد کنند و احتیاجی بمساعدت خارجی نداشته باشند .

که تغییری در حقوق آنها بدهد آن تصمیم قطعی نخواهد بود مگر بعد از آنکه صاحبان سهام - مزبور در جلسه خاصی آن تصمیم را تصویب نمایند و برای آنکه آراء جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید حاضرین جلسه لااقل صاحب بیش از نصف سرمایه مجموع سهامی باشد که موضوع مذاکره است ، که با این وصف هم تحمیل رأی اکثریت بر اقلیت متضرر مرتفع است .

تغییر تابعیت و افزایش بر تهمدات صاحبان سهام بوسیله تغییر اساسنامه نیز بموجب ماده ۷۴ قانون تجارت منع شده است چه مقرر است که « هیچ مجمع عمومی تابعیت شرکت را نمی تواند تغییر بدهد - بر تهمدات صاحبان سهام با هیچ اکثریتی نمی توان افزود .

طریقه تغییر اساسنامه بموجب صریح قانون باید در خود اساسنامه فکر شود و اگر تصریح بعدم تغییر شده باشد تخلف از شرط جایز نبوده و نمیتوان آنرا تغییر داد .

در صورت تجویز بتغییر رعایت ماده ۷۴ قانون تجارت از لحاظ حد نصاب مجمع عمومی التزامی است و اگر در اساسنامه حد نصاب کمتری پیش بینی شده باشد با استنباط از مفاد ماده فوق الذکر خلاف قانون و مؤثر نخواهد بود .

در هر صورت تغییر اساسنامه با توجه با آنچه گفته شد جایز است منتهای مراتب در مواقع تنظیم یا تغییر آن باید دقت شود که مطالب و مقاصد با عبارات ساده و سلیس بیان شود تا در تغییر آن اشکالاتی رخ ندهد - چه بسا اتفاق افتاده که منظور واقعی شرکاء قید شروط خارجی بوده که در مقابل اشخاص ثالث بش از وعده اثر دیگری نداشته باشد و بواسطه عدم دقت در تلفیق عبارات و الفاظ تصریح بخلاف آن شده است تعیین مندرجات اساسنامه به تهمد در مقابل اشخاص

(۱) کسی که معامله میکند آن معامله برای خود آن شخص محسوب است مگر اینکه در موقع عقد خلاف آنرا تصریح نماید یا بعد خلاف آن ثابت شود . معذک ممکن است در ضمن معامله که شخص برای خود میکند تهمدی هم بنفع شخص ثالثی بنماید .

(۲) معاملات و عقود فقط در باره طرفین متعاملین با قائم مقام قانونی آنها - مؤثر است مگر در موارد ماده ۱۹۶ .